



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۵۸۳ خرداد ۱۴۰۰

نوجوان  
جام جم



عطیه ضربایی

## چند کلمه درباره نوجوانی کسی که بزرگ‌ترین تحول قرن را رقم زد یکی مثل ما

### « باید چه کرد؟ این همه جور زمانه است »

طبیعت! اسم دارد. نامش معنایش را داد می‌زند. یعنی زندگی و نفس کشیدن و پیری و مرگ، طبیعی است. همه مایک روز با چشم خود می‌بینیم که جان مان می‌رود. برای سیدروح... هم این اتفاق‌ها افتاد؛ مکرر و غم‌انگیز. در اولین روزهای کودکی پدرش را از دست داد؛ بعد هم عمه‌ای که از موثرترین افراد زندگی‌اش بود و بعد هم مادر. داغ، به عمق جان این نوجوان ۱۶ ساله نفوذ کرد ولی ایستادگی در برابر تنبید حوادث دنیا به همراه توکل، از او انسانی سخت و کارآزموده ساخت و بیشتر از قبل به خودش تکیه کرد.

### « با که گویم غم دیوانگی خود، جز یار؟ »

اگر بخواهیم از شوخ طبعی آقا روح... هم چیزی بگویم، باید دفتر خاطرات نوجوانی و جوانی‌اش را ورق بزنیم و به روزهایی برسیم که همراه چندتا از طلبه‌های دیگر، برای استراحت و هوا دادن به سرشان به کشتزاری می‌رفتند و قدم می‌زدند و ورزش‌های «توپ» می‌کردند؛ یک روز یکی از اهالی اطراف به مسؤول حوزه علمیه شکایت می‌کند که این طلبه‌های جوان چارادر آن زمین‌ها ورزش و تفریح می‌کنند. مسؤول هم با سید و دوستانش صحبت می‌کند و آنها هم با دلیل کار خود را توجیه می‌کنند. این وسط یکی از دوستان آقا روح... به مسؤول می‌گوید: لطفاً به این روح... یک چیزی بگویید؛ موقع بازی همه‌اش دماغ مرا نشانه می‌رود و من آسیب می‌بینم! سید هم خیلی حق به جانب می‌گوید: مشکل از دماغ شماست، توپ از هر طرف که پرتاب شود به دماغ تو می‌خورد! و می‌خندند.

### « طی کنم راه خرابات و به پیری برسم... »

دیده‌ای بعضی عادت‌ها از سنین کم درون ما ته نشین و بخشی از ما می‌شود؟ مثلاً ادب، عشق، محبت، کوهنوردی! آقا روح... خمینی وقتی که به منزل یکی از آشنایانش در درکه تهران می‌رفت، هر عصر با همان لباس روحانیت به کوه‌های همان اطراف می‌رفته و کوهنوردی می‌کرده! این ورزش را تا حدود ۵۰ سالگی هم ادامه می‌داده؛ یعنی سنگ‌ریزه‌های کوه‌های این مملکت هم، رشد قدم به قدم آقا روح... را دیده و شهادت می‌دهند. تاریخ ایران و انقلاب و مردم هم شاهدند.

### « من کنار شما می‌مانم! »

روزهای اول زندگی‌اش بوده. مثل همه نوزادهای دیگر به شیر احتیاج داشته... عمه‌اش برای او دایه‌ای پیدا می‌کند و می‌شود اولین کسی که جان او را از دست مرگ رها کرده؛ پدرش گفته بوده تا زمانی که «دایه خاور» از او نگهداری می‌کند؛ از غذاهایی که خانواده روح... می‌فرستند؛ بخورد تا مبادا ذره‌ای خوراک شبیه‌ناک از گلوئی او پایین برود. دو سال می‌گذرد؛ کودک شیرخواره، حالا دیگر بزرگ شده اما دایه خاور را از یاد نبرده. به او سر می‌زند و وقتی از کودک می‌پرسند چرا می‌آیی با آن محبت بالذاتش می‌گوید: من کنار شما می‌مانم!

### « عمری دراز صرف در این کوره راه شد »

نوجوانی روح... از جهاتی شبیه نوجوانی کردن بچه‌های امروزی است. همان قدر که سید نوجوان به درس و بحث و مشارکت در کارها اهمیت می‌داده و در هفت سالگی حافظ قرآن بوده؛ به ورزش‌های مختلف و تربیت بدن خودش هم رسیدگی می‌کرده. از همان کودکی در دیدن و مسابقه دوازدهم جوانان خمین بهتر بوده و در اثر همین ورزش‌ها و اتفاقات، آسیب‌های متعددی هم به سر و کله‌اش رسیده؛ از تیراندازی هم غافل نبوده و حتی در صحبت‌هایی که با دوستانش داشته از اسب سواری خودش هم خاطراتی را گفته؛ روح... از آن آدم‌های با ابهت محله بوده که پسرهای دیگر از او می‌ترسیدند و کسی جرأت لات بازی نداشته؛ سید روح... بوده‌ها، کم کسی که نیست. ژیمناستیک کار حرفه‌ای خمین!

### « هر طرف رو کنم تویی قبله! »

آقا روح... از آنها بود که آرام و قرار نداشت، از این شهر به آن شهر و از این مدرسه به مدرسه دیگر، هرکسی در ایام نوجوانی و جوانی به وقت گذرانی و انس با دوستانش علاقه دارد! اما جنس رفیق بازی‌های روح... هم فرق داشت؛ از جنس رشد بود و معنویت، پنجشنبه و جمعه‌ای نبود که با دوستانش به قم و جمران نروند و محفل انس تشکیل ندهند. این دوست‌ها هر زمانی که موذن در بلندگو می‌گفت: «... اکبر، دست به وضو می‌شدند و صدای تکبیر الاحرام برمی‌خاست.



**ملی‌اعزیز خاله مفیشت مبارک**  
**بیشک مفیشت بهر بیشتر در افشارت**  
از طرف خاله حرمت

سند کمپانی، برگ سبز خودرو فولکس گل، مدل ۱۳۸۵ به رنگ پُر متالیک به شماره انتظامی ایران ۴۳-۱۲۷/۲۱، شماره موتور UDH367445، شماره شاسی Ir84521004588 به نام فاطمه یحیی دارای مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی خودرو ام وی ام هاج یک 315 H NEW مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۲۳-۸۳۶ ن ۳۷ شماره موتور MVM477FJA071792 شماره شاسی NATFBAMD9J1060143 به نام زهرای پیرمردیان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

**شماره تلفن‌های پذیرش**  
**۴۹۱۰۵۰۰۰**  
**۲۳۰۰۴۰۳۲**  
**امور آکبی‌های روزنامه جام جم**

**آکبی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی شرکت نور آفرینان جلفا ارس**  
به شماره ثبت ۱۳۸ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۳۰۸۵۸۹ (نوبت دوم)  
نظر به اینکه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۷ نوبت اول به دلیل عدم حصول حدتصاب قانونی تشکیل نگردید، بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت فوق دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه‌ای که روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۷ ساعت ۱۶ با رعایت پروتکل‌های سته مبارزه با کرونا به نشانی: جلفا، حسینیه ایا عبدالله الحسین خیابان امام صادق تشکیل می‌گردد، حضور بهر رسانند.  
**دستور جلسه:**  
۱- گزارش عملکرد هیات مدیره  
۲- انتخاب اعضای هیات مدیره و بازرسین  
**اعضاء و هیات مدیران شرکت نور آفرینان جلفا ارس**

کارت خودرو بی‌امو مدل ۲۰۱۶ به رنگ مشکی شماره انتظامی ایران ۹۹-۶۲۲ ن ۸۷ شماره موتور N20B20A80411161 شماره شاسی WBAWX910X00K07176 به نام حسین حسینی زاده خراسانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز سواری پُر پارسی رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۹ شماره موتور 12488276446 شماره شاسی NAAN01CA3AE2 ن 62243 به نام داریوش حق‌ی ماسرای مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند برگ سبز، سند کمپانی و وکالت نامه دفترخانه سواری پُر 405 GLXI رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۸۹ شماره موتور 12488318327 شماره شاسی NAAM11CA6AE015663 به نام اتاق تعاون استان گیلان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی و کلیه اسناد تاییدیه نقل و انتقال خودرو ام وی ام X33، مدل ۱۳۹۳، به رنگ سفید روغنی، شماره انتظامی ایران ۶۷-۳۲۸ س ۱۲، شماره موتور MVM484FBDE000727 شماره شاسی NATGBAYLZE1000748 به نام محمد همتی طالقونچه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کارت سند کمپانی و برگ سبز خودرو وانت پیکان، مدل ۱۳۸۴، به رنگ سفید روغنی، شماره انتظامی ایران ۴۳-۶۵۶ ن ۷۱، شماره موتور 11284061574 شماره شاسی 12136813 به نام محمد زادریس مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کارت سند کمپانی و برگ سبز خودرو پُر ۲۰۶، مدل ۱۳۸۲، به رنگ سفید صدفی شماره انتظامی ایران ۶۷-۴۴۱ ن ۴۸، شماره موتور 10FSE94105205 شماره شاسی 81630653 به نام محسن فتی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.